

فهرست

۷		مقدمه مولف
۹	به ارتعاش واداشتن انرژی‌های مافوق بدن برای ایجاد درمان	فصل اول
۱۵	آشنایی با هومیوپاتی و طب سوزنی	فصل دوم
۲۵	شرح حال گیری	فصل سوم
۴۳	اطفال - برخی از بیماری‌های دوران کودکی	فصل پنجم
۵۳	مشکلات سالخوردگان	فصل ششم
۶۴	آلرژی و مشکلات مربوط به آن	فصل هفتم
۷۲	برخی مشکلات پوستی	فصل هشتم
۷۶	اختلالات گوارشی	فصل نهم
۸۲	از داروهای شیمیایی تا داروهای هومیوپاتی	فصل دهم
۸۸	آرتروز و روماتیسم	فصل یازدهم
۹۴	مشکلات خاص: پیشینه بعضی بیماران	فصل دوازدهم
۱۰۴	بیماری‌های سیستم عصبی و بیماری‌های روحی و روانی	فصل سیزدهم
۱۱۲	مشکلات زنان و زایمان	فصل چهاردهم
۱۲۰	مشکلات سلامت عمومی	فصل پانزدهم
۱۳۰	افکار عمومی و درمان	فصل شانزدهم
۱۳۶	در خاتمه، امید به آینده	فصل هفدهم

۶ خود درمانی - روشی براساس هومیوپاتی و طب سوزنی

مقدمه مولف

این کتاب در برگیرنده ده سال تجربه کاری من می‌باشد. در طی این دوران هزاران بیمار را در جنوب بریتانیا درمان نموده‌ام. هر موردی که با ترکیب هومیوپاتی و طب سوزنی درمان نمودم، باعث بهت و اعجاب من نیز می‌شد. قدرت طب سوزنی و هومیوپاتی به عنوان عوامل موثر درمان باعث شد که به نیروی امواج ارتعاش پی برده و عصاره جواهرات و اساس گل‌ها را بهتر درک نمایم. ممکن است بشر هیچ‌گاه نیروی عملکرد این ارتعاش را به صورت علمی پی نبرد، لیکن مهم درمان و شفای بیمار است.

سال‌ها طول کشید تا متوجه شدم که این پزشک نیست که درمان را ایجاد می‌نماید و قدرتی فراتر از درمانگر و بیماران، منبع اصلی ایجاد درمان می‌باشد. هر دو درمانگر و بیمار باید به این منبع اعتماد داشته باشند. همچنین، هر دو باید بدانند که فرآیند درمان به آن راحتی که فکر می‌کنند نیست.

از تمام بیماران خود، سپاسگزارم، زیرا باعث تالیف این کتاب شدند، بیشتر از همه، از مادر خود بابت تمام کمک‌ها و حمایت‌هایش متشکرم.

مارگارت ناتل اسمیت

جولای ۱۹۹۴

فصل اول

به ارتعاش واداشتن انرژی‌های مافوق بدن

برای ایجاد درمان

این که انسان تحت تأثیر یک میدان مغناطیسی خارجی و داخلی قرار دارد، یک موضوع کاملاً شناخته شده است. انسان اساساً موجودی متشکل از ذهن - جسم - روح می‌باشد، لیکن تا به امروز می‌توان گفت که پزشکان زیادی این موضوع را برای درمان بیماران خود در نظر نگرفته و عمده پزشکان صرفاً علایم بیماری را درمان می‌کنند.

مطالعات اخیر در ایالات متحده و آلمان نشان داده‌اند که در کنار ماهیت شیمیایی، بدن انسان تحت تأثیر یک میدان الکترومغناطیسی و میادین انرژی زیر مجموعه آن قرار دارد. این موضوع با فهم اینکه عمده‌ی داروهای مکمل از انرژی ارتعاشی استفاده می‌کنند، منطقی‌تر به نظر می‌رسد. طب سوزنی اولین چیزی است که در این حیطة به ذهن می‌آید. سوزن‌هایی که در طب سوزنی به کار برده می‌شوند، باعث به جریان درآمدن انرژی در نقاط ورود خود می‌گردند. داروهای هومیوپاتی از آن جا که به طور پیوسته تقویت می‌شوند، می‌توانند حتی اثری قوی‌تر را نسبت به طب سوزنی ارائه کنند.

جوهره گل‌ها و عصاره جواهرات، سطح بالاتری از ارتعاش را دارند. البته درمان روحانی قدرت و انرژی بالاتری نسبت به همه روش‌ها دارد. الکترواکتیوپانکچریا طب سوزنی به وسیله الکترودها و افزودن هومیوپاتی به آن، نوعی درمان مؤثر و جدید را ارائه نموده است.

آهن‌رباها می‌توانند جایگزین سوزن بشوند تا انرژی الکتریکی را به بدن انتقال و سلامتی را به بدن بازگردانند.

برای یافتن نیروهایی که در جهان وجود دارد و همچنین میدان انرژی درون بشر باید بررسی و تحقیقات بیشتری صورت بگیرد.

ارتباط بین جسم و «اورا»^۱ی که در اطراف موجودات زنده می‌باشد، شرایط بهبودی را تعیین می‌نماید. آیا از «هولوگرام»^۲ کیهانی خود با خبر هستید؟ آیا آن نوعی نور می‌باشید؟ (همانگونه که پیش‌گویان مطرح کرده بودند).

جالب است که بعضی اسکنرها در واقع اطراف بیماران «اورایی» را ثبت می‌نمایند. سوال این است که آیا بیماری از درون «اورا» شروع و به سمت ارگان‌های بدن حرکت می‌نماید؟ سوالات بسیاری در این رابطه و دیگر موارد پیش می‌آیند که نیازمند به پاسخ‌گویی می‌باشند.

درمان به روش شرق با انرژی‌های موجودات زنده در ارتباط بوده و زمانی که به روش سنتی طب سوزنی، تشخیص و درمان آغاز می‌گردد، هر بخش از درمان مکمل بخش قبلی و پیش درآمد بخش بعدی می‌باشد.

رفلکسولوژی و ماساژ به همراه طب فشاری می‌توانند در دست‌ها، انرژی درمانی ایجاد کنند. چاکراها در طب آیورودای هندی و طب سوزنی با سطح عمیق‌تری از انرژی در ارتباط هستند که طب غربی کاملاً از آن، بی‌بهره است.

پزشکان غربی مستلزم فراگیری این قلمرو مخفی می‌باشند تا توانایی درمان را یافته و به صرف سرکوب علائم کفایت نکنند.

اکثر مذاهب به خلقت مجدد در کالبد جدید اعتقاد دارند. این موضوع تأیید کننده ی این است که "اورای" ما نابود شدنی نیست. شرقی‌ها، هندی‌ها و بومی‌های آمریکا همگی به این معتقد هستند که اورای انسان پدیده‌ای غیر قابل انکار است. این باورها حاکی از این هستند که او را از یک جسم خدایی ایجاد شده است.

۱-Aura: بو، رایحه، در اینجا هاله

۲-Hologram: تصویر سه بعدی

لایه بعدی بدن آسمانی می‌باشد که جایگاه احساسات است، سپس ذهن است که مقدمه‌ای برای بدن روحانی در بالاترین جایگاه می‌باشد. روح خدایی پایین‌ترین ارتعاش، بالاترین سطح روحانی و گسترده‌ترین فرکانس را شامل می‌شود.

دنیای غرب این دانش را از دست داده و به آن توجه نمی‌کند. نمادهایی از قدسیان و مسیح همیشه با هاله‌ای همراه بوده که مطمئناً «اورا» را به تصویر می‌کشیدند. «میازم‌ها» به صورت ارثی می‌باشند. «کارما»^۳ نشان دهنده آلودگی ژنتیک و بیماری است که به صورت ارثی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

از آن جا که جمعیت کنونی انسان‌ها آلودگی بسیار زیادی را به طور پیوسته ایجاد می‌کند، نسل‌های بعدی ما در معرض بیماری‌های "کارمایی" قرار دارند.

ساموئل هانمن ایده‌ای را بنا نهاد به نام «میازم‌ها» یا ارثی بودن بیماری که مهندسین ژنتیک آن را به اثبات رساندند. امواجی که در اطراف پراکنده می‌باشند، دود غلیظ پتروشیمی، فلزات سنگین موجود در آب، چه شرایطی را برای نسل آینده ایجاد می‌کند؟ آیا بشریت نیاموخته که چگونه می‌تواند سطح بالایی از «بدن» اورائی را درمان نماید؟

علاوه بر این با واکسینه کردن افراد در مقابل بیماری‌های مختلف، بشر باعث شده است که سیستم ایمنی در مقابل بیماری‌های جدیدتر عملکرد ضعیفی داشته باشد و روز به روز بیماری‌های شدیدتر و عمیق‌تری رواج پیدا کنند.

در اینجاست که هومیوپانچ^۴، با استفاده از توان بالای داروها به همراه سوزن‌های طب سوزنی، دارو را به نقاط خاص انتقال داده و سیر بهبودی را تسریع می‌نماید. تجویز بر اساس گل‌ها، به همراه یا بدون سوزن، نیازمند علم گسترده‌ای می‌باشد. استفاده از عصاره جواهرات همچون رنگ درمانی توانسته است که در روش چاکراه‌های آیورودای هندی، بهبودی را ایجاد می‌نماید. یقیناً تمام درمان‌ها باید تمامیت فرد را به صورت کامل و خاص در نظر بگیرند.

۳- Karma - کارما - با هر دست بدهی با همان دست پس می‌گیری، اساس مذهب بودا
۴- Homoeopunch ترکیب دو لغت هومیوپاتی و آکیوپانچر

طب رایج علائم را در نظر گرفته و دارویی تجویز می‌نماید که این علائم را رفع کند و تظاهرات بیماری به همراه عوارض دارویی مهار شده و برای درمان مشکل ایجاد می‌کند و درمان روحانی و شفای کامل بیمار طولانی می‌گردد.

داروهای قرن ۲۱ باید کنار گذاشته شده و به اصول اولیه درمان بازگشت نمود. اگر به تاریخ طب در سراسر دنیا توجه کنیم، باید به تمدن باستانی یونان نظری بیندازیم. از نظر درمان کامل، خاورمیانه، هند، آفریقا و خاور دور با مراقبت‌های پزشکی هم آواز بوده و همچنان از روش‌های اصیل درمان استفاده می‌کنند.

در کتاب‌های بسیار نفیس، کهن از چین، یونان و دوران باستان عهد بابلی‌ها، روش‌هایی از درمانی هماهنگ با حفظ سلامتی به همراه اعتقادات و فلسفه بکار گرفته و ثبت شده است.

تمامی انواع اولیه‌ی پزشکی، مراقبت از سلامت را به همراه مذهب و فلسفه در نظر می‌گیرند. این موضوع زمانی مشهود می‌شود که ما به طب غربی نگاهی انداخته و ببینیم که چگونه استانداردهای حیات را تغییر داده و با پیشرفت خود فلسفه و جنبه روحی حیات را کنار زده‌اند.

تخریب سیستم ایمنی می‌تواند با باورهای اخلاقی، بی‌بندوباری‌ها، و رسوم مذهبی غرب مرتبط باشد.

دنیای غرب با پیشرفت سریع خود باعث انحراف از مسیر سالم زندگی شده است، به عبارتی سلامتی به معنی احساس خوب بودن و تمامیت فرد است، باید به صورت اجتماعی نیز در نظر گرفته شود.

جنگ و عدم تحمل یکدیگر نهایت فروپاشی اجتماعی می‌باشد. اگر نظری به روال زندگی افراد اندازیم، آینده دلگیری را می‌بینیم که پیشروی آن به سمت انحطاط است درحالی که فرصتی برای بازگشت و نجات تمدن و فرهنگ بشریت موجود می‌باشد.

اگر به نوشته‌های فرهنگ و تمدن باستانی آتلانتیس و لموریا نظاره کنیم، شاهد تشابه وضع حالت کنونی با آنچه که در آتلانتیس رخ داد و باعث تخریب آن جامعه